### جمع بندی

حکم وجوب تخییری (یجب علی کلّ مکلّف فی عباداته و معاملاته أن یکون مجتهداً، أو مقلّداً، أو محتاطاً) عقلی است.

این حکم عقلی ناظر بر قسم پنجم (وجوب احرازی) از اقسام شش‌گانه حکم عقلی است که مربوط به کیفیت امتثال است.

این حکم عقلی مجرای قاعده ملازمه نیست لکن مشروط به عدم تصرف شارع در اطراف تخییر است و به این معنا نیازمند تأیید شارع است. بنابراین این حکم وجوب تخییری ذاتاً عقلی است ولی در مبادی آن، شارع می‌تواند تصرف کند.

#### جریان ابتدائی حکم تخییر

زمانی که مکلف احتمال و یا علم اجمالی به وجود تکالیفی دارد، آیا ابتدائا حکم تخییر عقلی به ‌طور کامل محقق می‌شود؟

چنانچه مکلفی بدون فحص و یا با فحص اجمالی قطع پیدا کرد که تمام اطراف تخییر مورد تأیید شارع است بین هر سه، مخیر است؛ ولی چنانچه قطع پیدا نکرد، بعید نیست چنانچه اجتهاد میسر باشد، برای مکلف در این حالت، «اجتهاد» متعین باشد و چنانچه اجتهاد میسر نباشد «تقلید» متعین باشد. البته در موارد زیادی در حالت طبیعی حکم عقل به تعیّن تقلید است.

#### مشروطیت حکم عقل

به‌طورکلی حکم عقل به تخییر بین اطراف سه گانه (اجتهاد، تقلید و احتیاط) منوط به عدم تصرف شارع در اطراف آن است.

### تنظیم مباحث

پس از بحث از وجوب عقلی تخییری (یجب علی کلّ مکلّف ...) در حالت طبیعی باید مباحث در سه فصل تنظیم گردد(الفصل الأول؛ فی الإجتهاد، الفصل الثانی؛ فی التقلید، الفصل الثالث؛ فی الإحتیاط) و به بررسی احکام آنها پرداخته ‌شود.

البته در فصل اجتهاد کلیات اجتهاد مطرح‌شده، اما مناصب قضاء، حکومت و تربیت به دلیل اینکه ابواب مستقلی دارند، لازم به گنجاندن آنها در این فصل نیست و در فصل اجتهاد از کلیات آن و تفصیلاً از منصب افتاء سخن به میان خواهد آمد.

### الفصل الأول؛ فی الإجتهاد

مکلف لو خلی و طبعه، فی الجمله، محکوم به یک حکم عقلی تخییری بین اجتهاد، تقلید و احتیاط است. حال ممکن است سوال شود که خود اجتهاد چه کمی دارد؟

با توجه به اینکه اجتهاد سه قسم دارد، سوال مطرح شده، به سه سوال ریز تبدیل شده و حکم اجتهاد در هر سه قسم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### اقسام اجتهاد

**1. الإجتهاد لعمل نفسه فی مسألة مبتلا بها:** مکلف با مسأله یا پدیده‌ای مواجه می‌شود که مورد ابتلای خودش است و قصد اجتهاد در حکم آن را دارد.

**2. الإجتهاد فی نفسه:** مکلف در این قسم با قطع نظر از اینکه مسأله مورد ابتلای خودش باشد و یا اینکه شخصی به این حکم نیاز داشته باشد، به اجتهاد و استنباط حکم در موضوعی مانند موضوع عبد و امه می‌پردازد.

**3. الإجتهاد لعمل غیره:** مکلف با توجه به اینکه دیگران به این حکم نیاز دارند به اجتهاد می‌پردازد.

بنابراین در این فرض سه سوال مطرح است:

الف: الإجتهاد لعمل نفسه فی مسألة مبتلا بها چه حکمی دارد؟

ب: الإجتهاد فی نفسه چه حکمی دارد؟

ج: الإجتهاد لعمل غیره چه حکمی دارد؟

### احکام اقسام اجتهاد

#### 1. الإجتهاد لعمل نفسه فی مسألة مبتلا بها

مکلف علم اجمالی و یا احتمال به تکالیفی می‌دهد و باید احراز امتثال کند به نحو اجتهاد، تقلید و یا احتیاط.

گاهی وجوب تخییری دایر بین اطراف سه گانه می‌شود که در حالت طبیعی اینچنین است و گاهی وجوب تخییری دایر بین اجتهاد و تقلید می‌شود در جایی که احتیاط ممکن نباشد و یا شارع آن را نپسندد و گاهی امر دایر بین اجتهاد و احتیاط می‌شود در جایی که مکلف مجتهد باشد و نیز گاهی اجتهاد متعین می‌گردد و آن در جایی است که مکلف مجتهد بوده و احتیاط ممکن نباشد.

بنابراین الإجتهاد لعمل نفسه فی مسألة مبتلا بها یتصف بالوجوب اما تخییریاً او تعییناً

#### 2. الإجتهاد فی نفسه

اینکه شخصی در احکام و معارف دین اعم از فقهی، اعتقادی و اخلاقی اجتهاد کند و به یک فهم عالمانه از آنها برسد بدون اینکه اثر عملی داشته باشد مانند عبيد و اماء که اساساً موضوعاً منتفی است، چه حکمی دارد؟

در این مساله دو سوال مطرح است، اول اینکه این گونه اجتهاد فی حد نفسه چه حکمی دارد؟ و دیگر اینکه با عارض شدن عناوین ثانویه چه حکمی پیدا می‎کند؟

اجتهاد و فهم عالمانه و محققانه از شریعت چه در احکام، چه در اخلاق و چه در عقائد مستحب مؤکد نفسی است.

و استحباب آن مستفاد از ادله فراوان مانند آیه «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»[[1]](#footnote-1) و یا بخش زیادی از روایات معالم و منیة المرید در باب فضیلت علم که یا منحصر در علم دین است و یا اینکه قدر متیقن آن علم دین است و مصداق بارز این روایات هم فهم عالمانه و اجتهاد است.

1. . الزمر/9 [↑](#footnote-ref-1)